

سرپرست وزارت آموزش و پرورش می گوید دانش آموزان سمپادی باید یک تا ۱.۵ درصد دانش آموزان کشور باشد. جواد حسینی در این باره گفت: «المیپادها باید از انحصار مدارس، استان ها و جنسیت خاص خارج شود.» به گزارش «پسنا»، حسینی با اشاره به این که در دنیا سه رویکرد برای تعلیم و تربیت دانش آموزان استعدادهای درخشان وجود دارد، گفت: «در رویکرد اول سمپاد به معنی مدرسه خاص وجود ندارد، بلکه تعلیم و تربیت به شکل تلفیقی و ترکیبی پیش می رود. در رویکرد دوم؛ دانش آموزان سمپادی فقط در مدارس سمپاد تحصیل می کنند و به شکل ویژه ای آموزش می بینند تا نیروی انسانی به سرمایه انسانی تبدیل شود و توسعه همه جانبه در جامعه صورت بگیرد.»

محمد باقرزاده | اگر چه آمار رسمی و پژوهش های دانشگاهی نشان می دهد که ایران این علاقه چندانی به مطالعه ندارند اما به نظر می آید در فرهنگ عمومی علاقه به کتاب و مطالعه همچنان ارزش محسوب می شود. این ارزش عمومی البته در نگاه پدر و مادر ها و نحوه برخورد آنها با فرزندان خردسال خود جایگاه مهمی دارد و حتی والدین غیر کتاب دوست هم سعی می کنند فرزندان شان را با کتاب آشنا کنند. این البته تمام ماجرا نیست و در دوره یکه تازی موبایل، کامپیوتر و ابزار متفاوت بازی های رایانه ای، ترغیب کودکان به آشنایی با کتاب به مسأله ای پیچیده تبدیل شده و در این بین کسانی که راهکاری برای مدیریت بازی های کامپیوتری فرزندان خود پیدا کرده اند، باید مسأله دیگری را هم به درستی پیش ببرند؛ انتخاب کتاب مناسب سن کودک و همچنین رفتاری که این علاقه را از درازمدت از بین نبرد.

پدر و مادر های امروز ایران چه نگاهی به کتابخوانی کودکان دارند و چگونه آن را مدیریت می کنند؟ علاوه بر این روانشناسان و کارشناسان حوزه ادبیات کودک چه راهکارهایی برای این موضوع دارند و با نگاه آسیب شناسانه چه پیشنهادی برای والدین دارند؟

روایت والدین از کتابخوانی کودکان

نسلی که در خاطرات کودکی اش کمتر اثری از کتاب دیده می شود، حالا تلاش می کند که فرزندان ی باسواد پرورش دهد؛ هر چند که در این راه با مشکلات فراوانی دست و پنجه نرم می کند. پدر و مادر های طبقه فرودست متولد دهه های ۵۰ و ۶۰ خورشیدی در ایران می گویند که تلاش می کنند دوران کودکی متفاوتی با زندگی خود برای فرزندان شان بسازند، هر چند که به نظر می آید والدین طبقه متوسط در ایران در حال شبیه سازی با پهنه سازی خاطرات کودکی برای فرزندان شان اند. «مر تزی» و «زینب» پدر و مادر دو کودک ۱۱ و ۴ ساله اند. پسران این زوج این روزها مجموعه ای از کتاب های مختلف را در قفسه های کتابخانه جا داده اند و گاهی وقت ها هم «راشان» ۱۱ ساله برای آنها قصه کتاب ها را می گوید. «مر تزی» می گوید که از کتابخوانی اش خوشحال است. «هن و همسر م اولین کتابی که دیدیم سال اول ابتدایی بود و در روستای مان اصلا کتابخانه ای نبود. پادم است حدود پنجم ابتدایی مسجد روستا کتابخانه ای ایجاد کرد و من انگار وارد دنیای تازه ای شدم. هر هفته می توانستیم دو کتاب امانت بگیریم و من این دو کتاب را یک شبه تمام می کردم. الان شرایط خیلی متفاوت است.» زینب هم خاطرات مشابهی دارد و می گوید که تلاش کرده زندگی متفاوتی را برای فرزندانش بسازد: «ما حتی نمی دانستیم چطور بچه ها را کتابخوان باز بیاوریم یا چه کتابی و از کجا برای شان بخریم. خودم کلی مشورت گرفتم و حتی کلاس رفتم که چطور با بچه هایم برخورد کنم و موقعی که برای شان کتاب می خواندم، قصه ها برای خودم هم جالب بود. تصور کن برای من سی و پنج ساله قصه کتاب چه لذت بخش بود.» نگاه خانواده های امروزی اگر چه متفاوت اما در یک مورد شبیه است و آن ارزش کتاب در زندگی کودکان است. «هریم» روزنامه نگار و مادر کودکی دو ساله و چند ماهه است، او درباره کتابخوانی برای دخترش می گوید: «هیچ برنامه زمانی برای کتابخوانی ندارم؛ چون مانترا در این سن کارهایش معمولاً هیجانی است. بعضی وقت هایی که می خواهم برایش کتاب بخوانم، دوست ندارد ولی بعضی وقت ها هم استقبال می کند یا حتی خودش کتاب را انتخاب می کند و بعضی وقت ها مدام کتاب ها را عوض می کند.» او درباره نحوه انتخاب کتاب هم می گوید: «یک سری از کتاب ها را که دیگران برایش هدیه آورده اند و من انتخاب نکردم. یک سری از کتاب ها را هم که معروف و مورد تایید است، خودم انتخاب کردم. یک سری را هم مدیر مهد کودکش که روانشناس است به ما معرفی کرده است. می گویند کتابی که می خوانی تخیل و مفهوم یا خلاصه کتاب را برای کودک تعریف کن و مانترا هم در این سن همین را دوست دارد و علاقه ای به شنیدن جمله جمله کتاب ندارد.» واکنش مانترای حدوداً ۲ ساله به کتاب چگونه است و مادرش چه برنامه ای برای آینده کتابخوانی اش دارد؟ این مادر روزنامه نگار در پاسخ به این پرسش می گوید: «لان بعضی وقت ها کتاب برایش جذاب است و زمانی هم هست که کتاب را پس می زند. من

المیپادها در انحصار مدارس، استان ها و جنسیت خاص

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرفه، سرماخوردگی، و ... باعث گیجی ناخواسته می شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه رو کند.



با وجود تلاش های صورت گرفته در سال های گذشته همچنان میزان مطالعه کودکان و نوجوانان ایرانی پایین است

پدر، مادر، شما متهم اید

۵۸ درصد اهل مطالعه است؛ اما برای رسیدن به رقم دقیق تر سرانه مطالعه ایرانیان باید ۲۴ درصد دیگر از جمعیت بالای ۱۵ سال را هم در نظر گرفت که نتیجه نشان می دهد سرانه مطالعه ایرانیان ۱۵ ساله و بیشتر کمی بیشتر از ۵ دقیقه در شبانه روز است. در این آمار البته هیچ اثری از افراد کمتر از ۱۵ سال یعنی بخشی از کودکان ایرانی دیده نمی شود و به همین دلیل همچنان آمار دقیقی درباره میزان مطالعه این قشر وجود ندارد. در این شرایط، یک معیار قابل سنجش می تواند آثار منتشر شده در این حوزه باشد که پیش از این «علی اصغر سیدآبادی» مدیر کل دفتر مطالعات و برنامه ریزی فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و نویسنده ادبیات کودک در سال ۹۶ گفته بود: «مسئال طبق آمار خانه کتاب، ۲۶ میلیون جلد کتاب کودک و نوجوان منتشر شد. اگر جمعیت زیر ۱۸ سال که ۲۴ میلیون هستند را در نظر بگیریم، سرانه مطالعه هر فرد زیر ۱۸ سال، ۱.۵ کتاب در سال می شود.»

آمار مطالعه در بین کودکان ایرانی

درباره میزان و آمار دقیق مطالعه در ایران همواره اعداد و ارقام متفاوتی بیان می شود که از دو دقیقه تا نزدیک به نیم ساعت در روز اعلام شده اما هیچ کدام از این اطلاعات منبع مستند و موثقی ندارند. یکی از قابل اعتنا ترین آمار البته به گزارش تازه شورای عالی انقلاب فرهنگی بر می گردد که امسال منتشر شده و البته مربوط به سال ۹۶ است. این گزارش می گوید تنها ۵۸ درصد مردم ایران مطالعه غیر درسی دارند و میزان مطالعه این بخش از جامعه به طور میانگین ۷ ساعت و ۴۱ دقیقه در ماه است که ۳ ساعت و ۷ دقیقه از آن صرف خواندن قرآن و ادعیه می شود. این گزارش که با عنوان «رصد فرهنگ رفتاری خانواده ایرانی در سال ۱۳۹۶» منتشر شده، حاصل پژوهش آماری در مناطق شهری و روستایی ایران در میان افراد ۱۵ ساله و بیشتر بوده است. علاوه بر این، این گزارش می گوید که میزان مطالعه حدود ۵۸ درصد افراد ۱۵ ساله و بیشتر بدون احتساب خواندن قرآن و ادعیه، ۱۷۸ دقیقه در ماه است که متوسط آن حدود ۹ دقیقه در شبانه روز برای این

می دانه که کتاب روی هر فردی تأثیر دارد و خودم هم تلاش می کنم بعضی مواقع در خانه کتابی دست بگیرم و به بابایش هم می گویم که بعضی وقت ها کتاب دستش بگیرد که مانترا ببیند و این روی مانترا هم تأثیر گذار است؛ یعنی برنامه مان انامه حضور کتاب در زندگی مانترا است.»

«مهدی» هم پدر دو کودک ۷ ساله و ۶ ماهه است که بخش زیادی از زندگی روزانه و فعالیت هایش را بر پایه تربیت صحیح فرزند تنظیم می کند. او کلاس هایی می رود و کتاب هایی را می خواند که بتواند رایطه اش با فرزندان را بهبود ببخشد. او درباره تجربه اش در این زمینه می گوید: «یک سری طراحی سیاه و سفید است که شبیه کارت است و کودک حتی یک ماهه نسبت به آن واکنش نشان می دهد. من برای پسر بزرگم گرفته بودم و برای فرزند جدیدم اسم استفاده کردم. تا جایی که می دانه و تا سال های پیش این کارت ها در ایران وجود نداشت.» او ادامه می دهد: «صرف کتاب خواندن حتی برای نوزاد، گوشش را نسبت به کلام و آهنگ کلمات قوی می کند. من الان به نامی می گویم هر وقت می خواهد کتاب بخواند، کنار تخت دانا بخواند که گوش دانا هم با کلمات و لحن آنها آشنا شود.» مهدی درباره نحوه انتخاب کتاب هم می گوید: «برای من یکی انتشارات معیار است و مورد دیگر هم نهادهایی مانند شورای کتاب کودک است که هر سال کتاب های برگزیده سال را منتشر می کند و امتیاز می دهد و هم به لحاظ تصویر سازی و هم متن کتاب ها بررسی می شود و معمولاً کتاب ها با امتیاز بالا، کتاب های خوب و مفیدی اند.» اما چگونه می توان با کودک به گونه ای رفتار کرد که از کتاب

دلزده نشود؟ مهدی درباره تجربه خود می گوید: «نظر من هیچ تکنیکی نمی تواند یک بچه را به کتاب علاقه مند کند مگر این که دست پدر و مادرش کتاب ببیند. مثلاً پسر اولم کتاب «قصه من و بابام» را از حدود ۳ سالگی دوست دارد و هنوز هم دست والدینش کتاب ببیند. پدر من هر کتابی را می خواند خلاصه اش را برای ما تعریف می کرد و این حس خوبی از کتاب برای منی ساخت.»

نگاهی آسیب شناسانه به مطالعه کودکان
اگر چه کتابخوانی کودکان در حالت کلی مورد ستایش است و مواردی زیادی در مزایای این رفتار کودک ک بیان شده است اما آیا ممکن است تلاش خانواده ها برای کتابخوان بار آوردن کودکان، منجر به آسیب هم شود؟ در شرایط کنونی جامعه ایران، تلاش خانواده ها در این زمینه چه معایبی دارد و چگونه می شود این نقایض را کاهش داد؟ «علی اکبر زین العابدین» نویسنده حوزه ادبیات کودک و نوجوان و کارشناس ارشد روانشناسی بالینی در این باره به «شهروند» می گوید که اگر برخورد والدین درست نباشد ممکن است آثار منفی طولانی مدت روی کودکان بگذارد. این روانشناس توضیح می دهد: «اگر تأکید والدین بر خرید کتاب برای کودکان باشد، ممکن است کودک آن را پس بزند چون آن را شبیه همان کتاب درسی می بیند. کتاب درسی ما از محتوا تا فرم جنبه بازارزنده دارد و کتاب غیر درسی نباید حسی برای کودک ایجاد کند که مانند کتاب درسی اجبار در خواندن کتاب غیر درسی هم دارد. والدین نمی خواهند امتحان بگیرند اما اگر نحوه پرشش و پاسخ به گونه ای باشد که حالت امتحان داشته

کودک و نوجوان

شهروند

چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۹۸ | سال هفتم | شماره ۱۷۷۱
www.shahrvand-newspaper.ir

باشد کودک این کتاب را پس می زند.» او می گوید که اگر نحوه برخورد به گونه ای باشد که کودک حتماً باید از کتاب آموزش ببیند و مدام در این زمینه مورد پرسشش واقع شود، احتمال پس زدن کتاب بالا خواهد رفت: «برخی اوقات تأکید خانواده ها بر جنبه آموزشی است؛ یعنی به خاطر پول و وقتی که صرف شده کودک باید حتماً چیزی یاد بگیرد. این باز خواست می تواند کتاب را برای کودک تبدیل به کتاب درسی کند.» با این شرایط والدین باید چه رفتاری داشته باشند که کودک در درازمدت از کتاب زده نشود؟ زین العابدین در پاسخ به این پرسش هم می گوید: «پدر و مادری که ماهی یکی دو بار به بطور طبیعی سمت کتابفروشی می روند و کودک را در کتابفروشی به حال خود رها می کنند، فضا را فراهم می کنند که کودک، خود نگاهی به کتاب ها داشته باشد. کتابفروشی که می روند نه به این معنی که حتماً کتاب بخرند. کتاب ها را ببینند و حتی گاهی کتاب را نخرند و برای آن برنامه ریزی مالی تعریف کنند. نباید دسترسی کودک به کتاب سهل الوصول و رفتار به گونه ای باشد که او فکر کند در هر شرایطی خانواده از خرید کتاب استقبال می کند.» این نویسنده حوزه کودک و نوجوان، فضای کتابخانه های عمومی را یکی از مکان های مناسب برای آشنایی کودک با کتاب می داند: «کتابخانه ها در شهرستان ها و شهرهای کوچک مکان مناسبی است، چون در دسترس است. در تهران البته عملاً این امکان برای بسیاری از خانواده ها و مناطق وجود ندارد. در شهرهای کوچک به دلیل نزدیک بودن خانه ها تا کتابخانه های عمومی، امکان بهتری فراهم است. در چنین شهرها و روستاهایی این رفتار طبیعی با کتاب را می توان با مخزن کتاب داشته باشد. یعنی پدر و مادر نقش یک هدایت کننده را داشته باشند و اعمال نظر صریح نکنند.» آن طور که زین العابدین می گوید باید به سن کودکان در انتخاب کتاب هم توجه شود. او در توضیح این موضوع می گوید: «بچه های پیش از دبستان، خردسالان و بچه های اوایل دبستان بیشتر کتاب را از روی تصاویر و جلد انتخاب می کنند اما بچه های نیمه دوم دبستان به بعد به غیر از گرافیک و کتاب سازی کم کم محتوا برایشان مهم می شود. بعضی طرفدار یک نویسنده و یک ژانر می شوند؛ فردی کتاب تاریخ و اسطوره جلبش می کند و ممکن است فردی ژانر وحشت را بیستند. در چنین مواردی باز والدین نباید بازارزنده باز خورد کنند؛ ممکن است بچه سراغ ژانر ترس یا کتاب های فانتزی برود و ممکن است والدین نگران ترس فرزندان شوند که درست نیست، چون معمولاً کودک می تواند بهتر علائق خود را تشخیص دهد.» پرسش دیگری که معمولاً در این زمینه مطرح می شود، به فرزندان خانواده های غیر کتابخوان بر می گردد که نگاه این روانشناس، فرزند پرورش یافته در این خانواده ها هم امکان کتابخوان بودن را دارد: «قبلاً می گفتند پدر و مادر غیر کتابخوان فرزند کتابخوان تربیت نخواهند کرد و برعکس که در دست نیست. الان مثال های نقض کننده فراوانی وجود دارد. علت این که شبیه های مناسب تری را انتخاب می کنند، ممکن است رفتار غلط آمیز و اجباری نداشته باشند. وقتی روی موضوعی زیاد تأکید شود معمولاً بچه ها عقب می کشند. پدر و مادری هم که آگاهی شان از کتاب بالاست، گاهی این آگاهی را درباره مطالعه به رخ می کشند و اگر فرد نوجوان باشد، احساس می کند در رقابتی نابرابر است و در این بازی برنده نمی شود و عقب می کشد. مثل باغبانی که خودش گلکاری و درختکاری بلد است و هر روز بچه را وادار می کند که مثل من باش. ببین من چطور گل می کارم.» زین العابدین می گوید که ممکن است در برخی خانواده های کتابخوان، کودک علاقه به کتاب را یک اجبار ببیند و این می تواند یکی از آسیب های چنین خانواده های باشد: «طبیعت بچه ها با اجبار سازگار نیست و بچه معمولاً این رفتار را پس می زند. ممکن است پدر و مادری کارشان در صنعت باشد ولی هر وقت به طبیعت می رسند یا با علاقه با طبیعت برخورد کنند و با فرزند خود با حالات محققانه از درخت می گویند؛ این بچه به این سمت گرایش پیدامی کند؛ در حالی که پدر و مادر اصلاً فعالیتی در این حوزه نداشته اند. بچه من و همسر م که کتابخوان هستیم، الان دبستان است و چندان کتاب نمی خواند، در حالی که پیش از این می خواند و معلوم است که شاید رفتاری درست نبوده است.»

مختلف اعلام می کنند.

هر چند انتخاب های این دآوری ها با هم متفاوت است اما در بسیاری موارد کتاب های خوب در تعدادی از فهرست ها به چشم می خورد که کار خانواده ها را برای انتخاب کتاب آسان می کند. دسترسی به این فهرست ها بسیار راحت است و خانواده ها می توانند به راحتی آن را پیدا کنند. تنها اشکالی که به این فهرست ها می شود گرفت، این است که کتاب های منتخب مربوط به سال گذشته است و کتاب هایی را که در چند ماه اخیر منتشر شده، در بر نمی گیرد. نکته ای هم که نباید از نظر دور داشت، دادن حق انتخاب به کودک است. نباید کودک احساس کند که پدر یا مادر یا معلم و مربی دارند خواندن کتابی را به او تحمیل می کنند. در این صورت، واکنش منفی خواهد بود.

دخالت بزرگتر ها در انتخاب کتاب برای کودکان باید در حد معرفی باشد و کودک احساس کند که به انتخاب خودش سراغ کتابی رفته است. این حساسیت در مورد نوجوانان بیشتر از کودکان است. نوجوان به هیچ عنوان دوست ندارد بزرگتر ها برایش تصمیم بگیرند؛ ضمن این که در این سن او بیشتر تحت تأثیر گروه همسالان و گروه های مرجع است. وقتی می بیند چند نفر از دوستانش درباره فیلمی یا کتابی حرف می زنند، دلش می خواهد فیلم را ببیند یا آن کتاب را بخرد.